دانشکده هنر

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان پایان نامه:

تطابق تصویری نسخه خطی (خمسه نظامی) کتابخانه ملی فرانسه و نسخه چاپ سنگی (خمسه نظامی) کتابخانه ملی ایران

استاد راهنمای تئوری:

دکتر مهدی حسینی

استاد راهنمای عملی:

دکتر محمد معمارزاده

دانشجو:

فرزانه رحمانیان

مهر 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه الزهراء می باشد.

تقدیم به:

همسر عزیزم که همواره با قبول زحمات بسیار

مرا در این راه یاری داد.

با سپاس و قدردانی از زحمات استادان بزرگوار

جناب آقای **دکتر مهدی حسینی** که در طرح موضوع رساله

و تنظیم آن مرا راهنمایی کردند و با الطاف بی دریغشان

مراحل این تحقیق را زیر نظر داشتند

و همچنین

جناب آقای **دکتر محمد معمارزاده** که با راهنمایی های دلسوزانه

مرا در اجرای پروژه عملی یاری رسان بودند.

چکیده

دیرگاهی است که در ذهن همه ی ما موضوع گم شدن روح هنر ایرانی در پستوهای دوره ی قاجار، در تکثر آینه های تالار کمال الملک، یا در داستان های هزار و یک شب صنیع الملک و یا در اتاقک دوربین های عکاسی از فرنگ آمده، مورد سئوال بوده و هست. که چگونه شد هنر نقاشی سنتی ما که مبتنی بر یک فضای فرازمینی و ملکوتی بوده به یکباره و یا بتدریج از بین رفته و از آن به جز قابی توخالی باقی نمانده است؟

آنچه که نقاشی متجدد ایرانی به نمایش می گذارد؛ چگونه است که القایی جز یک تجربه ی فیزیکی و بیرونی ندارد؟ شاید بشود با پیدا کردن نقطه های تاریک در مسیر این جریان فکری و هنری، و اتصالشان به یکدیگر، مبداء تاریخی ایی را برای آغاز عصر تجدد در ایران پیدا کرد. رساله ی پیش روی شما در جستجوی یکی از این نقاط تاریک است تا با روشن نمودنش مسیر تعالی، هنرمند نسل آینده را به سوی همان هنر قدسی و لامکان و زمان، بنمایاند. هرچند این امر مستلزم یک شور ملی و جستجوی همه جانبه از سوی پژوهشگران و دانشجویان را دارد تا با کمک ارکان وحدت بخشی که در اندیشه های کهن سرزمین مان وجود دارد،به آرامش برسیم در برابر این شتاب زدگی جهان نو قرار بگیریم. شریعتمان را مبنا قرار دهیم تا به طریقتی درست قدم بگذاریم. روح هنری که توسط عوامل متفاوت مخدوش شده، جلایش دهیم تا به حقیقت وجودیمان دست یابیم.

در این مجموعه سعی بر این داشته ایم تا با مقایسه ی دو نسخه ی متفاوت از " خمسه نظامی "، یکی محفوظ در کتابخانه ملی فرانسه، که جزو آخرین های نگارگری در مکتب اصفهان را با نسخه ی دیگری از همان منظومه، محفوظ در کتابخانه ی ملی ایران، که البته چاپ سنگی است و مربوط به اوایل دوره ی قاجار می باشد؛ به حقیقتی که در پی آن هستیم؛ برسیم؛ دوباره پیچیدگی های تاریخی و اجتماعی آن زمان را مرور نماییم و تحلیل کنیم که چقدر صنعت چاپ، موجب شکل گیری این تحولات در هنرهای تجسمی بوده است؟ و هنرمند تصویرگر (چاپ سنگی) تا چه حد در شروع موج غرب زدگی در هنرها سهیم بوده است؟

کلید واژه ها : خمسه نظامی - مکتب اصفهان - دوره ی قاجار - چاپ سنگی - روح هنری عصر تجدد

فہرست

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فصل اول

مقدمه 1

سخنی کوتاه در باره شاعر 4

شیوه نقاشی در مکتب اصفهان 10

فصل دوم

مقدمه ای بر مکتب قاجار 25

عوامل موثر در نقاشی قاجار 28

تحلیل مختصر دوره قاجار 29

نقاشان مهم دوره قاجار 31

فصل سوم

تاریخ چاپ در ایران 47

تاریخچه چاپ سنگی 49

چاپ سنگی ایران 52

متد وروش چاپ سنگی 53

کتاب های مصور چاپ سنگی 59

تصویر گران کتاب های چاپ سنگی 62

فصل چهارم

میرزا علی قلی خویی 75

معرفی خمسه نظامی موجود در کتابخانه ملی فرانسه و نسخه چاپ سنگی موجود در کتابخانه ملی ایران 86

فصل پنجم

تطابق تصویری هفت پیکر در دو نسخه خمسه نظامی 102

نتیجه 134

گزارشی کوتاه از پروژه ی عملی با تصاویر پروژه (هفت پیکر) 137

فهرست منابع **146**

چکیده لاتین **151**

فصل اول

مقدمه

درباره شاعر

شیوه نقاشی در مکتب اصفهان

نقاشان و نگارگران مکتب اصفهان

مقدمه

سرنوشت جامعه وهنر در ایران با آمدن هنر غرب دگرگون شد به طوری که تاریخ معاصر جامعه و هنر ایران را بدون تعاملی که با این هنر داشته است ، نمی توان به درستی فهمید . البته این تعامل در همه سطوح و لایه های جامعه یا هنر که موضوع بحث است ، یکسان نبوده است سطوح ولایه هایی از آن به کلی دگرگون گشته و سطوحی دیگر با مقاومت بیشتر ، تا حدی، با آن ساخته اند. درهر حال با ورود هنر و ایدئولوژی غرب ، فصل جدیدی در تاریخ ایران آغاز گشته است و فهم تحولات جامعه و هنر ایران بدون توجه به این پدیده ، تا حدی ناممکن است .این تحولات در هنرهای تجسمی بسیار تاثیر گذار بوده و بسیاری از ساختارهای هنری ما را تحت الشعاع قرار داده و یا به کلی از بین برده است.

در این رساله ابتدا به مختصری از ویژگی های نگارگری سنتی ایران پرداخته شده تا زمینه این موضوع ، که فرهنگ تصویری غرب چه پیامدهایی بر هنر ما داشته است ، فراهم آید.

- نگارگر ایرانی مبنای اصلی هنر خود را بر پایه شهود و اندیشه اسلامی ، قرار می دهد و با توجه به این امر ، اندیشه و ذهن خلاق خود را در بهره گرفتن از طبیعت ، انسان و فضا به کمک می گیرد تا بتواند اثری خلق کند که جلوه ای از ذات ماهوی خلقت باشد .
- نگارگر ایرانی خود را در کنار کائنات دیگر – گیاه ، خاک ، صخره و ... می بیند نه اینکه برتر ار آن ها ، از طبیعت اطرافش، فضایی می سازد که انسان را به عالم ملکوت و مثالی پیوند می زند ، هرگز به بازسازی عینی و صوری طبیعت نمی پردازد در مواجه با نگارگری سنتی ، بیننده را از طریق فضاهای درونی و بیرونی مکا نهایش ، به یک فضای " همزمانی " می برد و او را از عالم خاکی جدا می کند و به فضای خلسه و خلاء بی کران عبادت می کشاند . در معماری یک مسجد ، هنرمند ایرانی با نقش کاشیکاری

های رنگین و دلفریب و طاق های تو در تو و هندسه دقیق در مشبک ها و آینه کاری هایش، از منطق و خردی که به او عطا شده ، وام می گیرد تا بیننده را به تسلیم و تحسین خالقش وادارد .

- اما در هنر غرب چنین نیست. فضای اثرش صرفاً مادی و مکانی است(حداقل تا قبل از قرن **18**میلادی).

ذهنیت شهودی هنرمند ، نقشی در اثرش ندارد چرا که الگوی او همان شیوه عینی و طبیعت گرایی عصر اومانیسم (انسان مداری) است که ریشه در هنر یونان باستان و روم قدیم دارد.

منبع نوری که در هنر غرب از یک جهت ثابت و مشخص به موضوع تابیده تا صرفاً آن را ملموس تر و قابل دسترس تر نشان دهد در صورتیکه در نگارگری ، نور از همه جهت به همه چیز تابیده ، چرا که به منشع نور می اندیشد که به همه جا و همه چیز روشنایی می بخشد نوری که جلوه گر آفتاب ازلی و ابدی خدایش است .

« تردیدی نیست که نگارگر ایرانی ، روح شاعرانه و محیط لطیف و آمیخته به عرفان آن روزگار که شاعرانی چون : حافظ و سعدی را انگیزه گسترش تفکراتش قرار می داده ، شعر می سروده اند . هنگامی که اوراق و صفحات نگارگری شده به صورت مرقع و یا کتابی به نظم آورده شوند ، آنگاه می توان آن ها را با فراغ خاطر در گوشه فراغتی ورق زد و با تصاویر و اشعارش و سخنان حکمت آمیز در آن ، وارد راز و نیاز گردید و با آن ها تبادل احساس نموده و سرخوش بود » (تجویدی ،**1375**: **118**)

با بیان مختصری از ویژگی های نگارگری سنتی در مقابل هنر تصویری غرب به زمانی پرداخته می شود که، اندیشه های غربی وارد هنر نگارگری ایران شد و آن را به انحطاط کشاند . پژوهشگران ،تاریخ دقیقی برای ورود این هنر و تاثیرش بر نگارگری مشخص نکرده اند ، اما آنچه مسلم است مدت ها قبل از مشروطه این اتفاق افتاده است ، زمانی که دکتر یحیی آرین پور در کتاب (ازصبا تا نیما) ، از آن به عنوان " دوره بیداری " یاد کرده است .

همچنین این دوره را بسیاری از منتقدین (رنسانس) ایران می دانند چرا که تحولی عظیم در فرهنگ وهنر وادبیات ایرانی بوجود آورد. اما ریشه های آن را می توان در قرن **11** ه ق در زمان شاه عباس اول سراغ گرفت . در دوره عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه به اوج خود رسید و از همان موقع تحولات ، مرحله به مرحله و پله به پله به سرعت پیموده شد که سرآغاز آن ، شکست ایران در جنگ های ایران و روسیه است. بدین ترتیب شرایط برای نفوذ فرهنگ جدید و موج اندیشه و هنری نو در جامعه ایران ایجاد شد .

اصلاح طلبی های زمان عباس میرزا ، ورود دستگاه چاپ ، نیاز مردم به دسترسی سریع اخبار در جریانات مشروطه ، ورود دوربین عکاسی و انتشار کارت پستال هایی از دوران شکنجه ، همه از عواملی هستند که هر کدام را به صورت جداگانه می شود مورد تحقیق قرار داد .

اهمیت پرداختن به این موضوع در پژوهش پیش رو ، به عنوان نمونه ارزیابی و تحلیل نگاره ها در دوره های مذکور و جستجوی تفاوت های تصویری از نظر بیان تصویری و ادبی ، نیز مد نظر است به همین دلیل گامی به عقب تر برداشته و به زمانی که هنوز اصالت و روح نقاشی ایرانی مخدوش نشده بود برمی گردیم یعنی اواخر دوره صفویه و مکتب اصفهان ، زمانی که نقاشانی چون رضا عباسی و میر مصور هنوز هنر نمایی می کردند و نقش می زدند.

یکی از ویژگی های شاخص هنر ایران (حداقل تا اواخر دوره قاجار) تصویر سازی متون ادبی کهن و مذهبی بوده است و به همین منظور در هر دوره و در هر مکتب بارها و بارها این متون توسط نقاشان ، تصویر سازی شده اند .

(معمولا تصویر سازی متون به سفارش شاهان و درباریان بوده است)

از میان این متون ادبی و عرفانی ایرانی ، خمسه نظامی را بر گزیده شده است تا نسخه خطی مکتب اصفهان که تقریباً جزو آخرین کتب نگارگری آن دوران می باشد را با همتایش که چند سال بعدتر به

شیوه قاجاری و با متد چاپ سنگی کار شده است ، مورد بحث و بررسی قرار دهیم (نسخه خمسه نظامی موجود در کتابخانه ملی فرانسه ،مکتب اصفهان و نسخه خمسه نظامی موجود در کتابخانه ملی ایران ، چاپ سنگی مکتب قاجار)

سخنی کوتاه درباره شاعر :

ابوالیاس بن یوسف بن موید،مشهوربه نظامی،وی درسال535 هجری درسرزمین اران به دنیا آمد. بعضی از تذکره نویسان اصل و تبار پدراورا ازقهستان قم دانسته اند مادرش راهم خود او در دیباچۀ لیلی و مجنونش،از طایفۀ کردی سر شناس می داند .

"نظامی که کردها را زمخت وخشن اما درستکارو وفادار می یابد،در نوشته هایش نگاهی آشکارا مهر آمیز به آنان می افکند:مانند آن شبان که وظیفۀ بهرام شاه را به او یادآوری می کند یا چشمان بیمار "خیر"که توسط دخترکردی شفا می یابد،دختری آن چنان نیکخواه که زیباترین نماد نیکی محض در ادب اسلامی سده های میانی به شمار می رود"(بری،28:1385)

نظامی همه عمر خود را درشهرگنجه،گذرانده است،مگرسفرکوتاهی که بدعوت قزل ارسلان،به یکی از بلاد نزدیک گنجه کرد.تاریخ وفات وی را596هجری یا چند سال دیرتر می دانند."امادرتذکرۀ میخانه چنین آمده که او84 سال زندگی کرده است دراین صورت فوت اودرسال 614اتفاق افتاده.مدفن نظامی در گنجه تا اواسط عهد قاجار باقی بود،بعداز آن رو به ویرانی نهاد تابه وسیله دولت محلی آذربایجان شوروی مرمت شد"(ذبیح الله صفا-ص123) مردم شهرگنجه به رغم آنکه نژادوتبارگوناگون داشتند تقریباً همگی به مذهب اهل سنت وابسته بودند،حنفی

وشافعی. *نظامی* نیز مذهبش سنی بوده است.تعلق خاطر نظامی به تصوف وایراد افکار صوفیانه در اشعارش به خوبی دیده می شود .وی از تمام علوم عقلی ونقلی بهرمند ودر علوم ادبی و عربی کامل عیار ودر وادی عرفان و سیرو سلوک،عقاید واخلاق ستوده،پای بندو استوار بوده است.آنچه از اشعارش بر می آید،این است که وی مراتب و مقامات باطنی و قلبی را طی کرده وبه ریاضت ،نفس را رام ساخته وهمت بلند بوده است.

عدد ابیات *نظامی* را بیست هزار بیت نوشته ولی مقداری از آن در دست است.پنج مثنوی مشهور بنام پنج گنج دارد که آن را **خمسهٔ نظامی** می گویند. *مخزن الاسرار* که اولین ثمرهٔ عزلت و ریاضت شاعر بود به شیوهٔ حد یقهٔ سنایی نظم شده است.این مثنوی 2260 بیت دارد و به نام ملک فخرالدین بهرامشاه پادشاه زنجان می باشد .مثنوی دوم منظومهٔ *خسرووشیرین* است که 6500 بیت دارد و به نام ابوطالب طغرل بن ارسلان پادشاه سلجوقی و اتابک شمس الدین ابو جعفر محمد ایلد گز بوده و به سال 576 پایان یافته است . مثنوی سوم منظومهٔ لیلی ومجنون می باشد که 4700 بیت دارد وبه نام ابوالمظفر شروان شاه از نسل بهرام چوبین بوده و در سال 585 به پایان رسیده است .مثنوی چهارم *بهرامنامه* یا *هفت پیکر* یا هفت گنبد است که در سال 593 به اتمام رسیده وبنام علاءالدین کرپ ارسلان پادشاه مراغه ساخته شده است.پنجمین مثنوی ازپنج گنج *اسکندر نامه* است ودر دو بخش شامل شرفنامه و اقبالنامه ودر10500 بیت ساخته شده است که به خواهش اتابک اعظم ملک نصر الدین ابوبکر سلجوقی فرزند اتابیک محمد جهان پهلوان سروده است این پادشاهان یا در حقیقت شاهک های گوناگون ترک آذربایجان و فرمانبرداران رسمی پادشاهان ترک سلجوقی بودند که می خواستند از طریق سروده های نظامی نام خود را جاودان کنند ولی بر عکس هیچ خاطره ای از خود بر جای ننهادند و سروده نظامی به مثابه یکی از چند گوهر درخشان ادبی دوران سلجوقی ، پایدار ماند .

مهمترین و زیباترین سروده های نظامی منظومه ی " *هفت پیکر* " اوست . گفته می شود نظامی این منظومه را بر اساس کتابی منسوب به نظام الملک وزیر خردمند و باریک اندیش ایرانی که در خدمت شاهان ترک بوده و شهرت بسیار نزد ایرانیان داشته و رساله ای روشن بینانه درباره فرمانروایی به نام سیاست نامه را به او نسبت می دهند

که یکی از شاهکارهای نثر فارسی سده های میانه به شمار می رود . نظامی داستان های پند آموز و فضیلت هایی را که هر شاه باید داشته باشد به صورت یک رشته داستانهای تمثیل آمیز به نظم در آورده است .

کتاب *هفت پیکر* که آن را به زبان فرانسوی *گنبد هفت شاهدخت* نامیده اند ، هنر نظامی را در اوج تکاملش به نمایش می گذارد . در سال 1946 – شرق شناس آلمانی-امریکایی گوستاوفن گرونباوم ، هفت پیکراش را به درستی این چنین توصیف کرد: یکی از تکامل یافته ترین آثار ادبی جهان است، از لحاظ هماهنگی گفتار، تصویرپردازی وفضا آفرینی بی مانند است.

نظامی رویدادهای زمینی را به مثابه رویدادهایی سرشار از مفهوم متافیزیکی و نشانه رویدادهایی برخاسته از دنیایی برتر به تصویر می کشد دنیایی که انسان به واسطه دلتنگی روحش به آن احساس تعلق می کند و خاستگاه شریف اش را که فراسوی این جهان خاکی آکنده از اغواگری های جسمانی و فساد ناپذیر قرار دارد ،به گونه ای مبهم به یاد می آورد. (بری1385: 65)

نظامی تنهاشاعری که تا پایان قرن ششم توانست این نوع شعر تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند.اشعار *نظامی* شرحی است بر آموزه های عرفانی و صوفیانه ،که اورا به یک معنا شاعری وارسته که همواره اورا قادر ساخته تا تجلیات مادی عوالم مثالی را نشان دهد وتوصیف کند. دانش دقیق او از فلسفهٔ مشایی با توصیف مفاهیمی چون جوهر و عرض ، معلوم وبسیار است. *نظامی* با توجه به تاریخ تولدش (535هجری) ، دقیقاً با ابن رشد ، ابن طفیل و عطار همدوره بود و به نسل هوشمندترین روشنفکران مسلمان تعلق داشت .

نظامی به معنای فیثاغورثی ومعنای سمبولیک و رمزی آن نیزتوجه ویژه ای از خود نشان داده است. استفاده از معنای رمزی اعداد، مانند هفت گنبد یا درباره ی فنای جهان می گوید:

پانصد و پنجاه بس ایام خواب روز بلند است به مجلس شتاب

او از طریق این اعداد، هفت ، دوازده و....که کلید شناخت هماهنگی ذاتی سطوح مختلف هستی اند به دنبال کشف ارتباطات ذاتی میان مخلوقات گوناگون است ودر حقیقت آن را کشف می کند. او بخش های هفت گانه بدن (را با هفت خلیفه وهفت حکایت اسکندر و هفت امتحان دشوار خود که دارای معنای جهان شناختی هستند مقایسه می کند.

این رمزگرایی اعداد در حکایت *هفت پیکر* به اوج خود می رسد. *نظامی* به عدد هفت به عنوان کلید شناخت جهان اشاره می کند وبین هفت رنگ هفت آسمان(بنفش،نیلی ،آبی،سبز ،زرد، نارنجی ،قرمز) هفت اقلیم (ارتباطی ایجاد می کند و ما را در یک زمان مابین دو عالم لاهوت وناسوت به گردش در می آورد. «خط سیر اندیشهٔ نظامی را در پیچ و خم جزییات و لوازم قول به نظام احسن در جای جای اشارات او می توان ردجویی کرد اما تقریر فلسفی قول را که شاعر جز به نتیجهٔ آن نظر ندارد باید در اقوال حکماء دنبال کرد . از جمع این اقوال بر می آید که نزد حکمای الهی و اکثر عرفا قول به نظام احسن وجود شرور را نفی نمی کند اما آن را جزو کل نظام و لازمهٔ وجود خیر تام ، در حد ممکن می دانند. قول این حکما درین باره آن است که عنایت الهی ناظر به تحقیق دادن به نظام خیرست پس نباید پنداشت عنایت و قضای الهی در جریان امور عالم فقط به خیر شخص ما نظر دارد وجز آنکه خیر مارا تامین کند و هر چه را مکروه ماست از ما دور دارد به هیچ امر دیگر نظر ندارد.»(زرین کوب،1362:216)

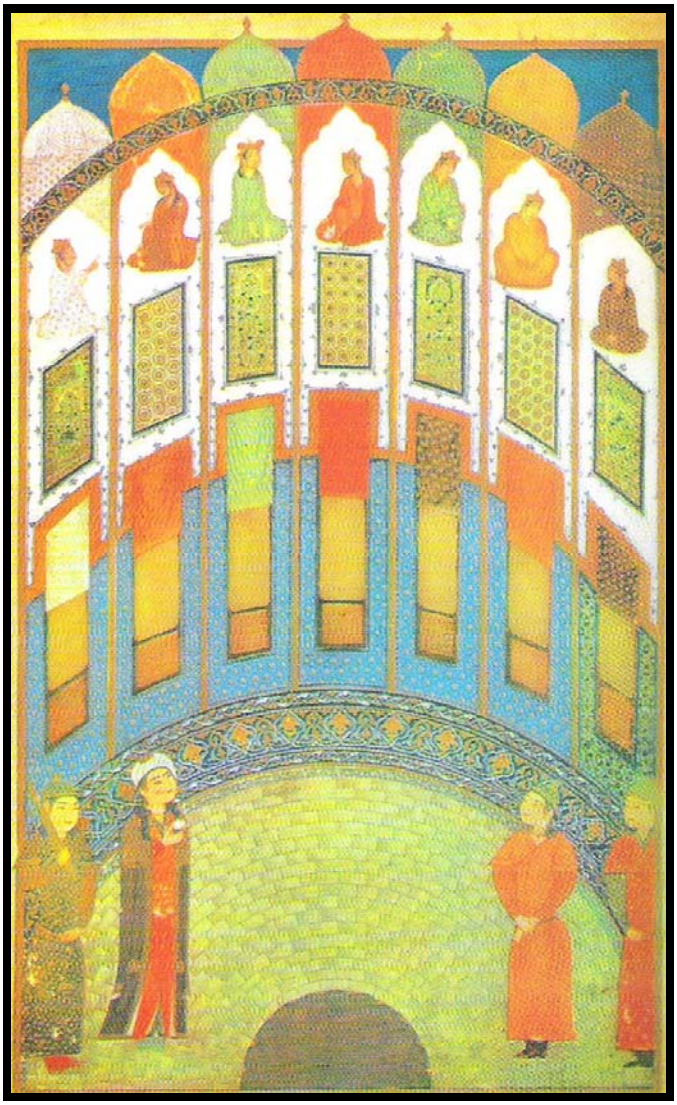

گلچین اسکندرسلطان: بهرام گور در قصر هفت گنبد – شیراز831 ه.ق/ 1410م(15×24س.م)،بنیاد گلینگیان،لیسبون

رمز گرایی اعداد نظامی در هفت پیکر همان رمز اعداد در فلسفه و حکمت شرق است که در هفت اورنگ جامی ، هفت شهر عطار ، هفت طبقه آسمان در اعتقادات دینی اسلامی و یا هفت سلوک " ذن بودیسم " است . در حقیقت ذن آن نوعی از تمرکز و مراقبه را بر می گیرد که به صورت مستقیم تجربه روشن شدگی و دل آگاهی را به همان ترتیبی که بودا خود به کار می بست ، استمرار می بخشد . در فلسفه ذن ، هنرمندی که متاثر از تعالیم ذن به آفرینش اثر هنری می پردازد ، می بایست دارای هفت ویژگی باشد یا اینکه هفت مرحله را پشت سر گذاشته باشد تا بتواند اثری بیافریند که تاثیر گذار باشد.

این هفت ویژگی به اختصار عبارتند از :

1- عدم تقارن (ناقرینه گی)

2- خلوص (ذهن سالک می بایست پاک بما ند)

3- سخت گیری یا استواری (انسان و مصائب اش ، در مرحله رشد قرار می گیرند)

4- طبیعی بودن (مداومت تجربه ، صادق بودن)

5- عمیق بودن (تمرکز و ممارست در طریقت ، سالک را عمیق می کند)

6- استغنا (سالک و هنرمند ذن باید روح آزاد داشته و بلند منش باشد)

7- سکوت و آرامش (حالت مکاشفه هنرمند را به آرامش می رساند)

در واقع در فلسفه شرقی زیر بنای فکری یکسان می باشد همان مراقبه هایی که در مراحل هفت گنبد توسط نظامی طرح می شود در ذن بودیسم هم مطرح است .

الکساندرو بوزانی،ایرانشناس ایتالیا یی که در سال 1960 نظامی را به مردم کشورش شناساند، چنین نوشت:

«بی اغراق می توان گفت که زبان فارسی بزرگترین شاعرش رادر وجود او بازیافته است.» بوزانی بر همزبانی شگفت انگیز دانته با نظامی انگشت می گذارد. دانته:«آن چه را از عشق الهام گرفتم،نوشتم.»و نظامی در مخزن الاسرار می گوید:

«عاریت کس نپذیرفته ام آن چه دلم گفت بگو گفته ام.»

شیوه نقاشی در مکتب اصفهان

با شروع سلطنت شاه عباس اول (996 ه ق) هنر های ایران از نو رونق یافتند .تعداد بسیاری نقاش و خوشنویس و معمار و صنعتکار به خدمت شاه جدید در آمدند و کار مرمت آثار ارزشمند گذشته و اجرای سفارشهای تازه را بر عهده گرفتند . به ویژه ، پس از انتقال پایتخت به اصفهان (1006 ه ق) ، فعالیتی وسیع برای ساختن و آراستن کاخ ها و کوشک ها و بناهای عمومی آغاز شد . به طور کلی ، در دوره حکومت شاه عباس(اول) ، هنر بسیار مورد حمایت بوده است ؛ معماری ، منسوجات ، فرش ها ، و سفالگری این دوره ستایشگران پروپا قرصی داشته اند ؛ با این وجود ، با توسل به نقدی منصفانه ، تقریبا در تمام هنر های این دوره می توان انحطاطی در سر زندگی و خلاقیت یافت که به طرق گوناگون نمودار می شود ؛ در سفالگری به صورت تقلیدی کلی از اشکال چینی ، و در منسوجات و فرش ها به شکل بی روح شدن فزاینده نقوش و زننده شدن رنگ ها در هنر نقاشی ، شرایط و نتایج کمابیش متفاوت بود . البته تا حدی بدین علت که در این زمان نقاشی تا اندازه ای مستقل از حمایت دربار بود ؛ کمتراز قبل ، اشرافی بود ؛ و همانطور که از برخی نمونه های بر جای مانده بر می آید ، روحیه ی تازه ای از اصالت دلپذیر دیده می شود ؛ البته در کنار آنها ، آثار بی روح بسیاری نیز وجود دارد .(ویلکینسون.، گری ،1367 : 376)